

خشونت در همسایگی ما

عکس: Bigstock.comHalfPoint

محسن فرشیدی

اکرم ۹۱ سال دارد و دانشجو است. در آپارتمانی شش طبقه در منطقه پنج تهران با پدر و مادر و برادر کوچکتر خود زندگی می‌کند. او می‌گوید چند شب در هفته از خانه همسایه صداهای بگو و مگو و جیغ فرزندان را می‌شنود و این موضوع چندین ماه و از زمانی که ما ساکن این آپارتمان شده‌ایم همواره وجود داشته است. برخی هفته‌ها بیشتر، برخی کمتر. مادرم با زن همسایه رفت و آمد دارد. روزها به خانه همدیگر می‌روند و زن همسایه در این مورد صحبتی نمی‌کند، اما شب‌ها با آمدن همسر به خانه سر و صداها شروع می‌شود. چندین بار از مادرم پرسیده‌ام و هر بار با این پاسخ مواجه شدم که این یک موضوع خانوادگی و خصوصی است، همان پاسخی که شب‌ها وقتی صدای فریاد از خانه‌شان می‌آید پدرم می‌گوید: "نباید در زندگی مردم دخالتی کنیم". پنجره‌ها بسته می‌شود و ما سعی می‌کنیم به خواب برویم، اما از خانه همسایه تا پاسی از شب صدای خشونت می‌آید.

خشونت خانگی به شکل‌های مختلف در بسیاری از خانه‌ها وجود دارد. وقتی خشونت به شکل فیزیکی و یا کلامی آن منجر می‌شود، فرد آزارگر دیگر نمی‌تواند آن را در پستوی خانه نهمان کند. با وجود توسعه شهری و گسترش آپارتمان نشینی، اما فرهنگ اطلاع از احوال همسایگان همچنان در میان بسیاری از ایرانی‌ها وجود دارد. در برخی مواقع این موضوع از این هم فراتر می‌رود و به دخالت در زندگی یکدیگر منجر می‌شود. مواردی از جمله ازدواج، روابط فرزندان، خریدهای خانگی و یا رفت و آمدها در میان بسیاری از ساکنان آپارتمان یک موضوع خصوصی باقی نمی‌ماند. اما با این وجود، خشونت خانگی در بیشتر مواقع به عنوان یک موضوع خصوصی که نباید در آن دخالتی کرد مطرح می‌شود.

خشونت امری خصوصی و شخصی نیست

فرهنگ عمومی در جوامع مردسالار خشونت خانگی را اتفاقی خصوصی تلقی می‌کند. قوانین کشوری با تاکید بر تمکین زن از همسر به شکل‌های مختلف نیز چنین باوری را تقویت و بستری را برای خشونت ورزیدن آماده می‌کنند. نیروهای مثل پلیس نیز امنیت فرد آسیب دیده در خانه را تامین نمی‌کنند. اما واقعیت این است که خشونت امری خصوصی نیست. امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته با تغییرات گسترده در قوانین، موضوع خشونت خانگی را یک معضل اجتماعی تعریف می‌کنند که می‌تواند در نهایت آرامش روانی جامعه را دچار چالش‌های جدی کند. در جهان امروز، چه از منظر فردی و چه اجتماعی مقابله با خشونت خانگی یکی از وظایف اصلی و مهم شهروندان و سیاستمداران یک کشور تعریف می‌شود.

یک دو سه

شماره تلفن سه رقمی یک-دو-سه با هدف حمایت از افراد آسیب دیده در خانواده از سال ۳۸۳۱ آغاز به کار کرد. تمرکز و محوریت این شماره در ابتدا بیشتر بر کودک آزاری متمرکز بود و بعد از چند سال به دیگر آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت علیه زنان، فرار فرزندان از خانه، خودکشی، کودکان خیابانی و موارد دیگر گسترش پیدا کرد. ایجاد یک شماره رند و سه رقمی که در اذهان باقی بماند و در مواقع اضطراری فرد آسیب دیده را ترغیب به تماس بکند یکی از اهداف اولیه مسئولین مرکز هماهنگی فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور عنوان شده است. [سخنگوی وقت وزارت رفاه و تامین اجتماعی](#) در سال ۷۸۳۱ در مورد خط ۳۲۱ اظهار کرد: «اگرچه خط تلفن بحران در ۰۶۱ کشور جهان وجود دارد، اما تقریباً هیچ یک از آنها ۳ رقمی نیست، در صورتی که خط تلفن اورژانس اجتماعی ۳ رقمی و روان ترین خط تلفن برابر قواعد اعداد یعنی یک، دو، سه است. «یکی دیگر از اهداف ایجاد چنین سامانه‌ای جابجایی حضور مددکاران اجتماعی به جای پلیس در زمان بروز خشونت عنوان شده است.

مسئولین وقت این سامانه تاکید داشتند مقابله با خشونت و یاری رساندن به فرد آسیب دیده کاری تخصصی است که پرسنل این سازمان با آموزش و تخصص، بهتر از دیگر ارگان‌ها می‌توانند آن را ارائه دهند. اما مددکاران اجتماعی محدودیت‌هایی دارند. در ایران و بر خلاف بسیاری از کشورها، پلیس در امور خشونت خانگی دخالت مستقیم و حمایتی از فرد آسیب دیده صورت نمی‌دهد. طبق یک قانون نانوشته تا زمانی که خشونت علنی نشده باشد و در خانه باقی بماند، پلیس در آن دخالتی نمی‌کند. حضور مددکاران اجتماعی در زمان خشونت با محدودیت‌های قانونی فراوانی مواجه است و آن‌ها اجازه حضور و دخالت مستقیم در خانه‌ای که خشونت در آن در حال وقوع است را ندارند. در اکثر موارد گرفتن این مجوز بسیار زمان‌بر است. اضافه بر آن حضور پلیس از آن جهت در کنار مددکاران اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد که آن‌ها سریع‌تر می‌توانند مداخله کرده و به خشونت پایان دهند. همچنین از مددکاران اجتماعی حمایت کافی را در مقابله با خشونت احتمالی می‌توانند صورت دهند.

مشکلات حاد و خشونت خانگی، دلیل اصلی تماس با ۳۲۱

سامانه اورژانس اجتماعی زیر نظر مرکز فوریت‌های بهداشتی قرار دارد و کاهش خشونت‌های خانگی با مشاوره و دوره‌های رایگان یکی از اهداف مهم آن تعیین شده است.

حبيب الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهداشتی، خشونت و مشکلات حاد خانوادگی را دلیل اصلی تماس‌های با این مرکز عنوان کرده است. وی در مصاحبه با [خبرگزاری دانشجویان ایران](#) گفت: «مشکلات حاد خانوادگی اعم از طلاق و یا سایر اختلافات و منازعات درون خانوادگی ۵۲ الی ۶۲ درصد تماس‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن خشونت‌های خانگی عمده علت تماس با این خط تلفنی بود، که از جمله آنها کودک آزاری ۵.۸ درصد و همسر آزاری ۵.۷ درصد تماس‌ها را به خود اختصاص داده بودند.»

اثبات خشونت که در بیشتر مواقع در خانه و به دور از چشم دیگران صورت می‌گیرد در سیستم قضایی ایران بسیار مشکل است. در این میان نقش همسایگان و نزدیکان می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. مداخله همسایگان اضافه براینکه می‌تواند از آسیب رساندن بیشتر به فرد جلوگیری کند، خود می‌تواند سند و شهادتی در حمایت از فرد خشونت دیده در مراجع قضایی باشد. در جوامع مردسالار خشونت همسر علیه زن نه تنها به عنوان یک هنجار معرفی نمی‌شود که به عنوان امری خصوصی و درون خانوادگی نادیده گرفته می‌شود. رییس سازمان بهداشتی تاکید کرده است: «بیشترین تماس‌ها با اورژانس اجتماعی در سال‌های گذشته توسط زنان با میانگین سنی بین ۰۲ تا ۰۴ ساله صورت گرفته است.» هر چند بسیاری از افرادی که مورد خشونت قرار می‌گیرند تا سال‌ها این موضوع را با کسی در میان نمی‌گذرانند، اما این موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که زنان در کنار کودکان قربانیان اصلی خشونت خانگی هستند.

مددکاران و خشونت خانگی

مددکاران اجتماعی با فرد آزارگر و فرد آزرده به شکل‌های مختلف در ارتباط هستند. چه حضور آن‌ها در لحظه بروز خشونت باشد و چه زمانی که این افراد به مراکز مددجویی معرفی می‌شوند. با ایجاد سامانه تلفنی ۳۲۱ و تغییر سیاست‌ها، مددکاران اولین کسانی خواهند بود که در در صحنه‌ی بروز خشونت حضور خواهند داشت، اما یکی از مشکلات مددکاران مجوز ورود به خانه‌ها است.

معاون اجتماعی بهداشتی در خصوص صدور مجوز برای ورود تیم مددکاری اورژانس اجتماعی در گفت‌وگو با [خبرگزاری دانشجویان ایران](#) اظهار کرد: «مجوز ورود تیم مددکاری به تمامی موارد گزارش شده باید حتماً از سوی قوه قضاییه صادر شود، اما در حال حاضر همکاران استانی بهداشتی با ناجا و قوه قضاییه هماهنگی‌های بسیار خوبی را برقرار کرده و در موارد اضطراری تیم مددکاری و نیروی انتظامی همزمان به محل اعزام و در برخی اوقات نیز حکم قوه قضاییه به صورت تلفنی صادر می‌شود.» وی ادامه داد: «البته باید بدانیم در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا مانند آمریکا نیز تیم مددکاری با پلیس در محل وارد می‌شود زیرا در غیر این صورت ممکن است جان مددکاران به خطر بیفتد زیرا مددکاران به لحاظ مهارتی نمی‌توانند مانند پلیس عمل کنند و اقتدار، ابزار و مهارت پلیس را ندارند و همراهی پلیس با آنها می‌تواند ضامن امنیت جانی آنها شود.»

خشونت در هر قشری ممکن است

امکان بروز خشونت خانگی، از جنوبی‌ترین نقطه تهران، تا شمالی‌ترین آن و از روستاهای کوچک تا شهرهای بزرگ و در هر طبقه اجتماعی ممکن است. عوامل اقتصادی، اعتیاد، مشکلات روانی و باورهای مردسالار می‌توانند از عوامل تشدید کننده‌ی خشونت باشند. در نبود آموزش‌های دولتی که باید از سنین کودکی و از مدارس آغاز شوند، خانواده‌ها نقش بسزایی در تغییر باورهای عمومی عمدتاً مردسالار مثل تمکین و یا خصوصی تلقی کردن خشونت را دارند. اما در نبود چنین بستری، برخی رسوم و سنت‌ها از جمله اطلاع داشتن از وضعیت افرادی که در همسایگی ما زندگی می‌کنند، سلامت روانی آن‌ها، دخالت کردن در لحظه بروز خشونت و تماس فوری با تلفن‌هایی که برای این منظور ایجاد شده‌اند می‌توانند در کاهش خشونت خانگی موثر باشند.